



Original Article

The South China Sea Arbitration Award and Its Confrontation with the Maximalist Approach of Coastal States to the Meaning of “Rock Islands”; a Critical Attitude

Rezvan Bagherzadeh¹ , Reza Jalili², Majid Saeedi³

ABSTRACT

Under The Article 121(3) of Convention on the law of the Sea (UNCLOS) rocks which cannot sustain human habitation or economic life of their own shall have no exclusive economic zone or continental shelf. Therefore, the article implies that rock islands are divided into two categories including those enjoying exclusive economic zone and continental shelf and those not. The ambiguity of the article beside the great variety of geographical formations resulted in diverse interpretations of the text concerning the type of rock islands. The South China Sea Arbitration Award (2016) which decided on the Philippines-China dispute is a thorough example among international legal hearings of interpreting rocks, mentions in the 3rd paragraph of the article 121 of UNCLOS. This article clarifying the key terms in the legal regime of island in Law of the Sea including islands, rock islands, reefs, low-tides elevations, and Artificial islands, interprets the article 121(3) and customary rules on it, and then, influential elements in distinction of rock islands on the basis of capacity of human habitation or economic life of their own from the perspective of the arbitration tribunal.

KeyWords: Rock Islands, Exclusive Economic Zone, Continental Shelf, The South China Sea Arbitration, Maximalist Approach of Coastal States.

How to Cite: Bagherzadeh, R, Jalili, R, Saeedi, M, "The South China Sea Arbitration Award and Its Confrontation with the Maximalist Approach of Coastal States to the Meaning of “Rock Islands”; a Critical Attitude", Legal Research, Vol.26, No. 104, 2024, pp:211-228.

DOI: <https://doi.org/10.52547/jlr.2023.226768.2162>

Received: 14/07/2022 - Accepted: 13/03/2023

1. Assistant Professor of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina Univrsity, Hamedan, Iran

Corresponding Author Email: r.bagherzadeh@basu.ac.ir

2. L.L.M, Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

3. L.L.M, Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



رای داوری دریای چین جنوبی و مقابله با رویکرد بیشینه‌گرای دولت‌های ساحلی در تفسیر «جزایر صخره‌ای»؛ رهیافتی انتقادی

رضوان باقرزاده^۱، سید رضا جلیلی^۲، مجید سعیدی^۳

چکیده

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، ذیل بند سوم ماده ۱۲۱، جزایر صخره‌ای را به دو نوع صخره‌های برخوردار و نابرخوردار از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تقسیم نموده و ملاک آن، ظرفیت سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خوداتکا تعیین شده است. نوع نگارش این بند و چالش‌های انطباق آن با واقعیت‌های جغرافیایی بسیار متنوع در کره زمین، تفاسیر گوناگون دولت‌های ذی‌نفع را در خصوص ملاک تعیین و تشخیص نوع صخره‌ها رقم زده است و در این میان، دولت‌های ساحلی رویکردی بیشینه‌گرا و به‌نوعی زیادخواهانه را پی گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین دادرسی‌های این حوزه، دادگاه داوری دریای چین جنوبی است. رأی صادره در ۲۰۱۶ به حل اختلافات فیلیپین و چین در مورد جزایر صخره‌ای دریای چین جنوبی با تفسیر ماده ۱۲۱ پرداخت. نوشتار حاضر، با توجه به مفاهیم عام و خاص جزیره و جزیره صخره‌ای، ماده ۱۲۱ کنوانسیون را عمدتاً پاسخی به بیشینه‌گرایی دولت‌های ساحلی می‌داند و در عین حال، فقدان مفاد آن در حقوق بین‌الملل عرفی را مقاومت این دولت‌ها در برابر این ماده می‌شمرد. دادگاه داوری ۲۰۱۶ تلاش می‌کند با ارائه تفسیری مضیق از شرایط برخورداری جزایر صخره‌ای از مناطق دریایی دوگانه در ماده ۱۲۱، ورق را به نفع جهانی‌گرایی برگرداند و در این مسیر نهایتاً هیچ‌یک از مدعاهای چین را، با اعمال نوعی سختگیری آرمان‌گرایانه، جزیره صخره‌ای برخوردار از مناطق دوگانه نمی‌داند و ادعاهای چین را گراف ارزیابی می‌نماید.

کلیدواژگان: جزایر صخره‌ای، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره، داوری دریای چین جنوبی، رویکرد بیشینه‌گرای دولت‌های ساحلی.

استناد به این مقاله: باقرزاده، رضوان، جلیلی، سیدرضا، سعیدی، مجید، «رای داوری دریای چین جنوبی و مقابله با رویکرد بیشینه‌گرای دولت‌های ساحلی در تفسیر «جزایر صخره‌ای»؛ رهیافتی انتقادی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۴، بهمن ۱۴۰۲، صص: ۲۱۱-۲۲۸.

DOI: <https://doi.org/10.52547/jlr.2023.226768.2162>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

۱. استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: r.bagherzadeh@basu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

براساس مقررات حقوق بین‌الملل دریاها، پهنه آبی کره زمین به مناطق مختلف دریایی تقسیم می‌شود و بدیهی است هر آنچه می‌تواند بر تعیین حقوق دولت ساحلی و سایر دولت‌ها تأثیر نهد، در این نظام حقوقی از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از پدیده‌های طبیعی مهم، جزایر هستند که تعیین آن‌ها هم از نظر ترسیم خط مبدأ^۱ و اختصاص مناطق دریایی تحت صلاحیت ملی^۲ و هم از جهت تعلق مناطق دریایی به خود آن‌ها، حقوق دولت ساحلی و سایر دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در خصوص جنبه اخیر، ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها،^۳ ضمن تعریف جزیره و اعلان برخورداری آن از مناطق دریایی، صخره‌هایی را که نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند، نابرخوردار از منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره می‌شمرد. اما این ماده با بیان حکمی کلی، چگونگی تعیین ماهیت و حقوق مربوط به جزایر و صخره‌ها را به روشنی مطرح ننموده و همین، تفاسیر مختلفی را سبب شده است؛ چه، حدوداً نیم‌میلیون ساختار جزیره‌ای متنوع در کره زمین وجود دارد و این میزان تنوع جغرافیایی، در تقابل با عمومیت قواعد حقوقی، ابهام‌ها و چالش‌های حقوقی و عینی متعددی را برمی‌انگیزد.^۴

در سال‌های اخیر دریای جنوبی چین به یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها و تنش‌ها برای امنیت بین‌المللی بدل شده است. این دریا افزون بر داشتن منابع دریایی و ذخایر نفت و گاز، یکی از آبراه‌های مهم کشتیرانی و تجارت بین‌الملل است که سالانه هزاران کشتی از آن می‌گذرد. این منطقه حاوی صدها جزیره مورد مناقشه کشورهای ساحلی است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا، انگلستان و استرالیا نسبت به تحولات این منطقه حساس بوده، حتی اقدام به برگزاری رزمایش‌های مشترک نظامی با برخی کشورهای ساحلی کرده‌اند. از جمله اختلافات دولت‌های ساحلی در این حوزه آبی، تنش‌های دیرپا و همچنان جاری چین و کشورهای حاشیه این دریا در تعیین ماهیت و نوع برخی جزایر ذیل بند سوم ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ و تعیین محدوده‌های سرزمینی حاکمیتی است. در این منطقه بیش از ۲۰۰ جزیره شامل نه مجمع‌الجزایر وجود دارد و تعدادی از آن‌ها مورد مناقشه کشورهای مختلف است. این جزایر مورد مناقشه در پنج گروه جزایر پراتا، پاراسل، اسپرتلی، اسکاربورو شول و جزایر مک‌کلسفیلد بنک قابل دسته‌بندی‌اند. ادعاهای ویتنام به جزایر پاراسل و اسپارتلی و ادعاهای مالزی و برونئی به تعداد کمی از جزایر اسپارتلی محدود می‌شود، اما همه این جزایر مورد ادعای چین و تایوان

۱. نک: لویی بی سون و همکاران، *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه محمد حبیبی مجنده، تهران: انتشارات جنگل، چاپ چهارم، ۱۳۹۶، صص ۸۹-۸۷.

۲. اگرچه اصولاً احتساب جزیره به‌عنوان بخشی از قلمرو خشکی یک کشور ساحلی، سبب تعلق منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره گسترده‌تر برای آن کشور می‌شود، با ابداع «روش سه‌مرحله‌ای» (Three-stage delimitation methodology) در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، اثر جزایر به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اوضاع و احوال مؤثر بر تحدید حدود دریایی، بسیار پیچیده، غیرقابل پیش‌بینی و انصاف‌محور شده است. نک: صیرفی، ساسان، *کاربرد خطوط مبدأ مستقیم در تحدید حدود دریایی؛ با نگاه ویژه به تحدید حدود دریایی بین ایران و کویت*، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۷، شماره ۳، صص ۴۸۳-۵۰۵؛ سالاری، اسماء، *اثر جزایر در تحدید حدود مناطق دریایی*

از دیدگاه رویه قضایی بین‌المللی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، ۱۳۹۸، شماره ۴، صص ۱۰۵۸-۱۰۵۱؛
Maritime Delimitation in the Caribbean Sea and the Pacific Ocean (Costa Rica v. Nicaragua), ICJ Reports (2018) paras. 135 et seq; D. P. O'Connell, *The International Law of the Sea*, Vol. 2 (Stevens & Sons Limited, 1982) at 318.
 ۳. ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مقرر می‌دارد: «۱- یک جزیره، یک منطقه به‌صورت طبیعی شکل‌گرفته از زمین [و] محاط در آب است که هنگام مد، بالای آب قرار دارد؛ ۲- به‌جز مورد مقرر در بند سوم، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره یک جزیره، مطابق مقررات قابل اعمال این کنوانسیون بر سایر قلمروهای سرزمینی تعیین می‌گردد؛ ۳- صخره‌هایی که نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند، منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره نخواهند داشت.»

۴. Yushifumi Tanaka, *The International Law of the Sea*, 3rd ed. Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press, 2019, at 329, 358.

قرار دارند و فلیپین نیز بر تعداد زیادی از جزایر اسپارتلی، جزایر مک کلسفیلد بنک و اسکارورو شول ادعای مالکیت دارد.^۱ بدیهی است اساساً تعیین جزیره بودن یا نبودن این ساختارهای مورد مناقشه، بر دامنه حقوق دولت‌های ساحلی ذیل ماده (۳) ۱۲۱ کنوانسیون اثرگذار خواهد بود.

در سال ۲۰۱۳، پس از کشمکش‌های فراوان و با وجود نارضایتی چین،^۲ فلیپین با ادعای محق بودن برای کسب حقوق اعطایی کنوانسیون ۱۹۸۲ و با هدف خاتمه دادن به اختلاف‌های حاکمیتی، به دیوان دائمی داوری و به طور مشخص دادگاه داوری دریای چین جنوبی،^۳ توسل جست.^۴ بخشی از اختلاف فلیپین و چین در دریای چین جنوبی، ناظر به ادعای حاکمیت چین بر برخی جزایر (جزایر اسپارتلی و پاراسل)،^۵ با توجه به فعالیت‌های عمرانی چین در آن‌ها، و بخشی ناظر به مسکونی بودن یا نبودن برخی جزایر مرجانی و آب‌سنگ‌ها بود. دولت چین که با طرح فعالیت‌های بالغ بر ۲۰۰۰ ساله خود در این دریا همواره ادعای حقوق تاریخی بر دریا داشته است،^۶ همه جزایر را متعلق به خود می‌داند.^۸ این دولت با استناد به قانون منطقه انحصاری اقتصادی خود و با تسری آن به تمامی سرزمین‌های تحت کنترل خود شامل جزایر، ۲۰۰ مایل دریایی را به این منطقه اختصاص داده، با عنایت به وجود منابع فسیلی بسیار پراهمیت،^۹ فلات قاره نیز اعلام نموده است؛ گرچه که به‌طور کلی بهره‌برداری دولت ساحلی از فلات قاره نیازمند اعلام نیست.^{۱۰} از همین رو، فلیپین با درک نگرش دولت چین، با دادخواست رسیدگی به وضعیت بهره‌مندی چین از حقوق استاندارد ذیل کنوانسیون ۱۹۸۲ وارد جریان حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف از طریق سازکار داوری کنوانسیون شد. با وجود اعتراض‌های صلاحیتی چین^{۱۱} و غیبت چین در روند رسیدگی،^{۱۲} محکمه داوری طی رأی ۲۰۱۶ اختلاف‌های طرفین دعوا را از جمله در خصوص

۱. مسرور، محمد و محمدحسن خانی، **بازآرایی ژئوپلیتیکی در دریای جنوبی چین**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، ۱۳۹۷، شماره ۲، صص ۱۷۲-۱۶۹.

۲. به باور سفیر چین در فلیپین در ۲۰۱۳، اختلافات این دو دولت در خصوص دریای چین جنوبی باید از طریق مذاکره حل شود؛ همچنان‌که چین هم در هیچ‌یک از مراحل رسیدگی داوری حاضر نشد.

Alex G. Oude Elferink, "Arguing International Law in the South China Sea Disputes: The Haiyang Shiyou 981 and USS Lassen Incidents and the Philippines v. China Arbitration", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol. 31, 2016, at 228-229.

3. *The South China Sea Arbitration* (2016); SCSA

۴. در خصوص آیین‌های حل‌وفصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاها نک: صیرفی، ساسان، **دامنه شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها در پرتو آرای قضایی و داوری**، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۴۰۰، شماره ۶۴، صص ۲۱۴-۱۸۱.

5. Spratly and Parasel Islands

۶. H. L. Roque, "China's Claim to the Spratly Islands under International Law", *Journal of Energy & Natural Resources Law*, Vol. 15, 1997, at 189-195.

7. Capt Aaron S. Wood, "Historically Mine: The (Potentially) Legal Basis for China's Sovereignty Claims to Land in the South China Sea", *Journal of Indo-Pacific Affairs, Air University Press, March 8 (2021) at: https://www.airuniversity.af.edu/JIPA/Display/Article/2528218/historically-mine-the-potentially-legal-basis-for-chinas-sovereignty-claims-to/ >2022-09-25*; H. E. Cong Peiwu, *The History and Reality of the South China Sea Issue*, September 13 (2020) at: http://ca.china-embassy.gov.cn/eng/sgxw/202009/t20200913_4615002.htm >2022-09-25.

۸. Teh-Kuang Chang, "China's Claim of Sovereignty over Spratly and Paracel Islands: A Historical and Legal Perspective", *CASE W. RES. J. INT'L L.*, Vol. 23:399, 1991, at 400 fn 3.

۹. این دریا به‌عنوان بزرگ‌ترین پهنه آبی جهان پس از اقیانوس‌ها، دارای بیلیون‌ها بشکه نفت و تریلیون‌ها فوت مکعب منابع گازی تخمین زده شده است. نک:

Tim Daiss, **Why The South China Sea Has More Oil Than You Think**, 22 May (2016) at: <https://www.forbes.com/sites/timdaiss/2016/05/22/why-the-south-china-sea-has-more-oil-than-you-think/?sh=79adab17dd8f> >2022-09-25.

۱۰. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ پنجاه‌وششم، ۱۳۹۶، ص ۳۱۲.

۱۱. Stefan Talmon, "The South China Sea Arbitration: Observations on the Award on Jurisdiction and Admissibility", *Chinese Journal of International Law*, Vol. 15, 2016, at 311 et seq.

۱۲. Sondra Faccio, "Human Habitation or Economic Life of their Own": The Definition of Features between History, Technology and the Law", *Liverpool Law Review*, Vol. 42, 2021, at 18 fn. 10.

تعیین مناطق انحصاری اقتصادی و نیز ماهیت برخی ساختارهای دریایی از حیث جزیره یا صخره بودن بررسی کرد.^۱ حال سؤال اصلی این است: آیا دولت چین بر اساس حقوق بین‌الملل موضوعه می‌تواند برای جزایر تحت‌نفوذ خود که اغلب صخره‌ای هستند، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تعیین نماید؟ در صورت پاسخ مثبت به این پرسش، با توجه به پراکندگی مجمع‌الجزایر پاراسل و اسپارتلی و سایر جزایر در کل دریا با عرض کمتر از ۲۰۰ مایل، کل آن منطقه انحصاری اقتصادی چین خواهد بود. حال آنکه کشورهای اطراف از جمله فیلیپین، از دیرباز دارای برخی حقوق سنتی در این دریا بوده‌اند. مطابق فرضیه مقدماتی، دادگاه داوری دریای چین جنوبی با انطباق وضعیت جزایر این دریا با شروط مندرج در حقوق موضوعه بین‌المللی، اعم از ماده (۳) ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ و حقوق بین‌الملل عرفی، برخی از موارد، و نه همه، را واجد شرایط برخورداری از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره خواهد دانست.

با وجود آنکه تفاسیر محدودی از بند سوم ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ از جمله توسط دیوان بین‌المللی دادگستری - که شرح آن‌ها خواهد آمد - صورت گرفته است، رأی داوری ۲۰۱۶ نخستین و مهم‌ترین تفسیر قضایی از این بند به شمار می‌آید که بی‌گمان می‌تواند بر تفسیر آتی دولت‌ها و مراجع قضایی بین‌المللی و نهایتاً عملکرد بعدی دولت‌ها تأثیرگذار باشد. از همین رو، مطالعه این نوشتار مفید می‌نماید. چنان‌که خواهد آمد، یکی از دلایل اهمیت این داوری بین‌المللی، نوآوری‌های رأی در تفسیر بند یادشده از جمله در خصوص پدیده‌های زمین‌شناختی غیرقابل سکونت و فاقد ظرفیت حیات اقتصادی خوداتکا است.^۲

نوشتار حاضر نخست به معیارهای برخورداری جزایر صخره‌ای از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در حقوق موضوعه می‌پردازد تا ابتدا مبنای حقوقی رأی داوری ۲۰۱۶ دریای چین جنوبی طبق مقررات بین‌المللی حقوق دریاها، اعم از معاهداتی و عرفی، روشن شود. سپس تحلیل و تفسیر دادگاه داوری از حقوق موضوعه در این زمینه و نیز تطبیق وضعیت جزایر و صخره‌های مورد ادعای چین با مقررات بین‌المللی موجود از منظر این مرجع رسیدگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. معیارهای برخورداری جزایر صخره‌ای از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در حقوق بین‌الملل موضوعه

به منظور ارزیابی حکم دادگاه داوری دریای چین جنوبی در خصوص شناسایی جزایر صخره‌ای برخورداری از مناطق دریایی، بررسی مبانی و مستندات حقوقی موجود در حقوق بین‌الملل موضوعه، اعم از حقوق معاهداتی و عرفی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید که در ادامه به ترتیب بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

۱.۱. ماده (۳) ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲: پاسخی به بیشینه‌گرایی دولت‌های ساحلی

ضمن یادآوری بند سوم ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ (صخره‌هایی که نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند، منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره نخواهند داشت^۳)، ملاحظه می‌شود که این بند بر عوامل اجتماعی -

^۱ Scarborough Shoal, Johnson Reef, Cuarteron Reef and Fiery Croos Reef, Gaven Reef (North), MecKennan Reef and Spratly Islands, including Itu Aba; *The South China Sea Arbitration*, PCA Case N 2013-19, 2016, paras. 7-11.

^۲ Yushifumi Tanaka, "Reflections on the Interpretation and Application of Article 121(3) in the South China Sea Arbitration (Merits)", *Ocean Development & International Law*, Vol. 48:3-4, 2017, at 6.

^۳ "... Rocks which cannot sustain human habitation or economic life of their own shall have no exclusive economic zone or continental shelf".

اقتصادی صخره‌ها تأکید می‌کند و البته آن‌ها را، در ادامه تعریف جزیره،^۱ عملاً یکی از انواع جزیره می‌شمرد.^۲ بنابراین، جزایر صخره‌ای دارای یک‌سری ویژگی‌های عام ذیل بند اول و برخی ویژگی‌های خاص، شامل توانایی حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خوداتکا، هستند که مبنای برخورداری این جزایر از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است.^۳ البته هیچ‌گونه تعریفی از صخره و جزایر صخره‌ای در معاهدات ۱۹۵۸ و پیش از آن و حتی در کنوانسیون ۱۹۸۲ وجود ندارد. خواهیم دید که دادگاه داوری دریای چین جنوبی، ضمن گنجاندن «جزایر صخره‌ای» در شمول جزایر، به‌درستی قائل به هم‌ترازی مفهوم جزیره و صخره نیست و اوصاف متفاوتی را برای آن‌ها برمی‌شمرد.^۴

در جریان تدوین کنوانسیون ۱۹۸۲، در کمیسیون تعیین مناطق دریایی یکی از شروط مهمی که درخصوص تعیین تکلیف جزایر مطرح شد، بند چهارم بود: «به منظور تعیین مناطق دریایی مربوط به جزایر، مجموعه‌ای معیارها باید در نظر گرفته شود؛ از جمله جمعیت، ساختار و پیکربندی ژئومورفولوژیک و نیازمندی‌های مربوط به ظرفیت جزایر و صخره‌ها به‌ویژه در مورد سکونت و حیات اقتصادی». برای حذف یا حفظ این شرط که در ارتباط مستقیم با بند سوم کنونی ماده ۱۲۱ قرار داشت، موافقت‌ها و مخالفت‌هایی از سوی دولت‌ها مطرح شد^۵ و اختلافاتی بر سر اعطای مناطق دوگانه مندرج در ماده ۱۲۱ شکل گرفت؛ به‌ویژه آنکه دولت‌ها خواهان جلوگیری از زیاده‌خواهی‌های احتمالی دولت‌های ساحلی در تعیین مناطق دریایی بودند و احتیاط‌ورزی آن‌ها درخصوص جزایر طبیعی می‌نمود. البته مواضع دولت‌های ساحلی، درباره رژیم‌های حقوقی مختلف نسبت به جزایر متفاوت، متنوع بود و حتی برخی دولت‌های ساحلی دارای پدیده‌های جزیره‌ای غیرمسکونی متعدد در آب‌های مجاور سرزمین‌هایشان هم موافق تفکیک جزایر به منظور برخورداری از مناطق دریایی وسیع‌تر بودند.^۶

^۱ در خصوص پیشینه تعریف حقوقی جزیره در کنفرانس‌های اول، دوم و سوم حقوق دریاهای ناک: سالاری، اسماء، پیشین، ص ۱۰۴۵؛ ملکم ان شوا، *حقوق بین‌الملل دریاهای با نگاهی به مسائل ایران*، ترجمه و تألیف علیرضا ابراهیم گل و حسن خسروشاهی، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴، صص ۵۶-۵۵؛

Office for Ocean Affairs and the Law of the Sea of the UN, *The Law of the Sea; Regime of Islands Legislative History of Part VIII (Article 121) of the United Nations Convention on the Law of the Sea* (New York: United Nations Publication, 1988) at 6-21; Tanaka, op. cit. (2019) at 331-333.

^۲ بدیهی است جزایر مصنوعی (Artificial islands) اساساً خارج از شمول بحث حاضر قرار می‌گیرند. نک: مواد ۱۱ و ۶۰ کنوانسیون حقوق دریاهای (۱۹۸۲)؛

Dadandish & H. Rahnavard, "The Artificial Islands in the Persian Gulf: A Political and Legal Analysis", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 3, No. 4 (2013) 105;

اما در برخی دادرسی‌های بین‌المللی، اختلاف‌هایی میان دولت‌ها بر سر برآمدگی جزری (Low-Tide elevation) یا جزیره بودن برخی پدیده‌های دریایی مطرح شده است که از آن جمله است، داوری ۱۹۷۷ انگلیس و فرانسه در خصوص صخره‌های سنگی ادیستون و داوری ۲۰۱۶ دریای جنوبی چین میان فیلیپین و چین درخصوص برخی → پدیده‌های دریایی که در مورد اخیر، دادگاه داوری با ملاحظه شرایط این پدیده‌ها قبل از دستکاری‌های مصنوعی، آن‌ها را برآمدگی جزری و نه جزیره دانست. نک:

Tanaka, op. cit., 2019, at 350-355; *The South China Sea Arbitration*, op. cit., paras. 306, 382-383;

ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۹۸۲، همانند ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۵۸، برآمدگی جزری را یک منطقه به طور طبیعی شکل‌گرفته از زمین می‌داند که محاط در آب بوده، در هنگام جزر بیرون از آب و به هنگام مد زیر آب قرار می‌گیرد و تحت شرایطی می‌تواند در ترسیم خط مبدأ دریای سرزمینی مؤثر واقع شود. دره میر حیدر و همکاران، *جغرافیای سیاسی و حقوق بین‌الملل دریاهای*، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، ۱۳۹۳، شماره ۲، ص ۳۴۸؛

همچنین درخصوص آب‌سنگ‌ها (Reefs) یا جزایر مرجانی (Coral Islands) نک: مواد ۶ و ۴۷ کنوانسیون حقوق دریاهای (۱۹۸۲)؛ B. P. Beazley, "Reefs and the 1982 Convention on the Law of the Sea", *6 Int'l J. Estuarine & Coastal L.* (1991) at 281; Tanaka, op. cit. 2019, at 346-348.

^۳ سالاری، اسماء، *وضعیت صخره در حقوق بین‌الملل دریاهای با تکیه بر رأی داوری دریای چین جنوبی*، فصلنامه اقیانوس‌شناسی، سال یازدهم، ۱۳۹۹، شماره ۴۱، صص ۳۳-۲۹.

^۴ *The South China Sea Arbitration*, op. cit., para. 480.

^۵ Y-h. Song, "The application of article 121 of the law of the sea convention to the Selected Geographical Features Situated in the Pacific Ocean", *Chinese Journal of International Law*, Vol. 9, 2010, at 676.

^۶ Office for Ocean Affairs and the Law of the Sea of the UN, op. cit., at 23 et seq.;

نهایتاً یکسان‌سازی رژیم پدیده‌های جزیره‌ای بسیار متنوع و پرشمار موجود در دریاها در ماده ۱۲۱، حاصل آشتی میان دیدگاه‌های مختلف است.^۱ البته دو اشکال عمده به بند سوم وارد است: اول اینکه حتی برخلاف توافق کمیته بر سر تعیین شاخص‌های تشخیص و تفکیک صخره‌های مورد نظر بندهای سوم و دوم، به ذکر دو شرط کلی و اجمالی مبهم بسنده شده است؛ دوم اینکه معلوم نیست چرا میان منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در بند سوم واژه «یا» قرار گرفته است؛ چه، چنان که خواهد آمد، منطقاً ظرفیت حفظ سکونت انسانی و حیات اقتصادی با هم ملازمه و هم‌بستگی دارند و بنابراین، انتظار می‌رفت از حرف ربط «و» استفاده شود.^۲

تاکنون مفصل‌ترین تفسیر از ماده ۱۲۱، در فقدان تفاسیر دقیق دولتی، به تصریح رأی داوری دریای چین جنوبی،^۳ توسط این رأی ارائه شده است. برای برون‌رفت از ابهام‌های بند سوم در شرح جزایر صخره‌ای پیشنهاد‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است؛^۴ از جمله، مذاکرات در چارچوب کمیسیون حدود فلات قاره^۵ (کمیسیون تعیین حد خارجی فلات قاره) که با توجه به شرایط عینی در فضای حقوق بین‌الملل دریاها چندان کارآمد به نظر نمی‌رسید؛ چه، کشورها طی مذاکرات کنوانسیون، کنترل وسیع بین‌المللی بر تعیین حدود فلات قاره را نپذیرفتند^۶ و در عمل چنین پیشنهادهایی با استقبال مواجه نشد.

نکته مهم در ملاحظه بند سوم ماده ۱۲۱ کنوانسیون، توجه به ارتباط آن با بندهای پیشین است. صخره‌های مشمول بند سوم همچنان سایر ویژگی‌های جزایر مندرج در بند نخست را دارند و از حیث جغرافیایی همانند سایر جزایر و متفاوت از برآمدگی‌های جزری یا آب‌سنگ‌ها هستند و در همین راستا، جزایر صخره‌ای اعم از برخوردار و نابرخوردار از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره‌اند. حال آنکه برخی نویسندگان، به نادرستی، بند سوم را «صخره» در مقابل «جزیره» می‌شمارند؛^۷ چه، عبارت پردازی بند سوم (صخره‌هایی که... بدین رهنمون می‌شود که صخره‌هایی فاقد این ویژگی‌ها نیز وجود دارند و همچنان جزیره به شمار می‌آیند).^۸

۱.۲. جایگاه عرفی مفاد ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲؛ مقاومت دولت‌های ساحلی در برابر ماده (۳) ۱۲۱

ملاحظه اختلاف نظرهای دولت‌ها در زمان نگارش ماده ۱۲۱ کنوانسیون، آشکارا خبر از فقدان یک‌دستی عملکرد دولت‌ها و عدم اعتقاد به عرفی بودن بند سوم می‌داد. همچنان که انتظار می‌رفت، دولت‌های ساحلی از وارد ساختن این بند در قوانین داخلی خویش پرهیز نموده‌اند و ماده ۵۱ قانون فدرال مکزیک، تنها استثنای موجود در این زمینه است. حتی

یکی دیگر از اعلامیه‌های تفسیری ایران در زمان امضای کنوانسیون در مونتگویی، در کنار قراردادی دانستن مقررات منطقه انحصاری اقتصادی، میراث مشترک بشریت و عبور ترانزیتی تنگه‌ها، مربوط به نظام حقوقی جزایر از جمله بند سوم ماده ۱۲۱ و به نظر ناظر به ابوموسی بود. ایران مدافع پیشنهاد انگلستان مبنی بر حذف بند سوم ماده ۱۲۱ کنوانسیون نیز بود.

Ibid, at 108.

¹. Tanaka, op. cit. at 358.

². Robin Rolf Churchill et al., *The Law of the Sea*, Manchester: Manchester University Press, 1998, at 150-151, 163-164.

³. *The South China Sea Arbitration*, op. cit., para. 553.

⁴. A. G. Oude Elferink, "Clarifying Article 121 (3) of the Law of the Sea Convention: The Limits Set by the Nature of International Legal Process", *IBRU Boundary and Security Bulletin*, 1998, at 64-65.

⁵. Commission on the Limits of the Continental Shelf

این کمیسیون طبق بند ۸ ماده ۷۶ و پیوست دوم کنوانسیون حقوق دریاها ایجاد شده و در خصوص حد خارجی فلات قاره از ۲۰۰ مایل دریایی، توصیه‌هایی برای دولت‌ها دارد.

⁶. Oude Elferink, op. cit., at 64.

⁷. Faccio, op. cit., at 15.

⁸. Michael Sheng-ti Gau, "The Interpretation of Article 121(3) of UNCLOS by the Tribunal for the South China Sea Arbitration: A critique", *Ocean Development & International Law*, Vol. 50:1, 2019, at 12-15; Tanaka, op. cit. 2017, at 3; *The South China Sea Arbitration*, op. cit., para. 481.

مکزیک هم در عمل برای بسیاری از جزایر بسیار کوچک خود نیز منطقه انحصاری اقتصادی اعلام نموده است.^۱ عملکرد بریتانیا استثنای دیگری است. این دولت به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۷ جزیره راکل^۲ را دارای فلات قاره و منطقه انحصاری ماهیگیری^۳ اعلام نمود که مورد اعتراض ایرلند، دانمارک و ایسلند واقع شد. متعاقباً بریتانیا پس از الحاق به کنوانسیون ۱۹۸۲ از ادعای خود در خصوص منطقه انحصاری ماهیگیری دست کشید.^۴ در سطح قضایی نیز در یک مورد خاص، دیوان عالی نروژ جزیره ابل^۵ با ۱۳/۲ کیلومتر مربع مساحت را بزرگ‌تر از آن دانست که به‌عنوان یک صخره ذیل بند سوم ماده ۱۲۱ قرار گیرد و بر امکان شکار خرس قطبی در آن نیز تأکید کرد^۶ و این چنین، به ظرفیت فعالیت اقتصادی در کنار اندازه جزیره نیز توجه نمود.^۷

کمیسیون سازش در پرونده ژان ماین در سال ۱۹۸۱ با اشاره به نسخه پیش‌نویس ماده ۱۲۱، مفاد این ماده را، بدون اشاره صریح به عرفی بودن، بازتاب‌دهنده وضعیت موجود حقوق بین‌الملل^۸ دانست و ژان ماین را جزیره‌ای مشمول بندهای اول و دوم ماده ۱۲۱ شمرد.^۹ همچنین به باور دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۲۰۰۱^{۱۰} تعیین حدود قطر علیه بحرین، بند دوم ماده حقوق عرفی را منعکس می‌سازد.^{۱۱} دیوان در پرونده ۲۰۱۲ کلمبیا-نیکاراگوئه نیز، ضمن تأکید بر یکپارچگی و جدایی‌ناپذیری بندهای این ماده، همه آن‌ها را دارای ماهیت عرفی شمرد.^{۱۱}

با وجود تصریح دیوان در رأی ۲۰۱۲، عملکرد دولت‌ها در تفسیر و اجرای این مقرره بسیار گونه‌گون است و این، مسئله‌ای است که دادگاه داوری ۲۰۱۶ بر آن صحنه می‌گذارد.^{۱۲} برای مثال، دولت‌هایی نظیر فرانسه، استرالیا و مکزیک برای برخی جزایر غیرمسکونی خود، منطقه انحصاری اقتصادی اعلام نموده‌اند که گاه اعتراض‌هایی بدان در خصوص برخی از این جزایر کوچک صورت گرفته است؛ از جمله اعتراض‌های چین، جمهوری کره و تایوان به ژاپن و اعتراض‌های سنت کیتس و برخی دولت‌های دیگر به فرانسه.^{۱۳} در مجموع، عملکرد دولتی ما را به یک تفسیر و اجرای یک‌دست از ماده (۳) ۱۲۱ رهنمون نمی‌گرداند^{۱۴} و شناسایی آن به‌عنوان یک قاعده عرفی را در هر دو رکن آن با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.

۲. جزایر صخره‌ای در رأی داوری دریای چین جنوبی و تفسیر مضیق ماده (۳) ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲

در ادامه خواهیم دید که دادگاه داوری دریای چین جنوبی چگونه با اتخاذ دیدگاهی حقوقی، اجزای این بند را جزء به

¹. Tanaka, op. cit, at 344 fn. 168.

². Rockall

³. EFZ

⁴. Tanaka, , at 335.

⁵. Abel Island

⁶. Norway: Supreme Court Judgment on Law of the Sea Issues' 11 *JMCL*, 1996, at 579.

⁷. Tanaka, op. cit. 2019, at 331 fn. 115.

⁸. Present status of international law

⁹. *Conciliation Commission on the Continental Shelf area between Iceland and Jan Mayen: Report and recommendations to the governments of Iceland and Norway*, Reports of International Arbitral Awards, Vol. XXVII, 1981, at 804;

به نظر می‌رسد تاناکا به دلالت مفهوم مخالف، معتقد است کمیسیون سازش، مفاد بند سوم را برخلاف بندهای اول و دوم، عرفی ندانسته است.
نک:

Tanaka, op. cit. at 344.

¹⁰. *Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain* (Qatar v. Bahrain), ICJ Reports, 2001, para. 185.

¹¹. به باور دیوان، بند سوم، پیوندی اساسی میان این اصل دیرپا که جزایر، فارغ از اندازه‌شان، از وضعیت یکسانی برخوردار بوده و بنابراین حقوق دریایی یکسانی را ایجاد می‌کنند با حقوق دریایی گسترده‌تر که توسط کنوانسیون ۱۹۸۲ شناسایی شده، برقرار می‌سازد.

Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia), ICJ Reports, 2012, para. 139.

¹². *The South China Sea Arbitration*, op. cit., paras. 552-553.

¹³. Tanaka, op. cit. 2017, at 9.

¹⁴. Ibid.

جزء بررسی می‌کند و سپس می‌کوشد یافته‌های خود را در دریای چین جنوبی اعمال نماید.

۲.۱. وضعیت جزایر صخره‌ای دریای چین جنوبی در پرتو ابهام‌زدایی از ماده (۳) ۱۲۱

چنان‌که در مقدمه گفته شد، بخش عمده‌ای از مدعای فیلیپین علیه چین در مراجعه به دادگاه داوری عملاً این بود که چین برخلاف کنوانسیون ۱۹۸۲ برای همه جزایر مورد ادعای خود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تعریف نموده است و بنابراین، تمامی آب‌های دریای چین جنوبی تحت حقوق حاکمه آن دولت قرار می‌گیرد. با توجه به ابهام‌های بند سوم ماده ۱۲۱ و تفاسیر قضایی بسیار محدود در این زمینه، دادگاه داوری ۲۰۱۶ ضرورت تفسیر آن را احساس کرد. بنابراین، دادگاه نخست تلاش می‌کند مؤلفه‌های حقوقی نظام جزایر صخره‌ای را تبیین نماید.

در تفسیر «صخره»، دادگاه داوری با بهره‌گیری از رأی نیکارگوئه- کلمبیا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، اظهار می‌دارد از لحاظ زمین‌شناختی ممکن است صخره از شن، و نه صرفاً سنگ، ساخته شده باشد، اما اصولاً صخره، سازندی^۱ طبیعی، سنگی و متجانس با محیط اطراف است.^۲ مراد ماده ۱۲۱ از صخره، لزوماً ستون‌های سنگی دریایی یا صخره‌های دریایی به لحاظ جغرافیایی نیست. همچنین، نه نام پدیده‌های دریایی، بلکه واقعیت موجود و سازنده در نوع صخره مهم است؛ همچنان‌که در دریای چین جنوبی به برخی صخره‌ها، آب‌سنگ^۳ اطلاق می‌شود.^۴ به لحاظ اندازه نیز هیچ مقیاسی برای تعیین صخره یا جزیره وجود ندارد و می‌توان یک سطح شنی یا سنگی بسیار کوچک را صخره شمرد.^۵

دادگاه در بررسی واژه «نمی‌توانند» بر مسئله «ظرفیت» تأکید می‌کند؛ اینکه آیا یک پدیده دریایی بیرون از آب در شکل طبیعی خود می‌تواند انسان را با اتکا به امکانات و منابع خود دربرگیرد، به طوری که نیازمند منابع خارج از جزیره نباشد؟ چنانچه پاسخ منفی باشد، ما با یک صخره و نه جزیره صخره‌ای مواجهیم. بنا به تأکید برخی نویسندگان، در چنین شرایطی اگر مصنوعات و امکانات برای زندگی و سکونت انسانی به کار رود، صخره از حقوق مربوط به جزایر بهره‌مند نمی‌گردد.^۶

«نمی‌تواند» حفظ کند» آنجاست که یک صخره نتواند به طور پایدار زندگی انسانی را حفظ نماید. رأی داوری با اشاره به معنای لغوی «حفظ کردن»، معنای متداول آن را «حمایت، حفظ و تقویت» می‌داند. این مفهوم در ارتباط با مکان، به معنای تأمین منبع غذا، نوشیدنی و مانند این‌ها برای زنده نگه‌داشتن و سلامتی انسان و همین‌واژه در ارتباط با یک شخص، به معنای حفاظت از زندگی و سلامت، تهیه غذا، نوشیدنی و سایر مواد لازم برای زنده ماندن او است.^۷ دادگاه، معنای متداول «حفظ کردن» را شامل سه مؤلفه می‌داند: پشتیبانی و تهیه ملزومات، تداوم پشتیبانی و تأمین بیش از یک دوره محدود زمانی (مؤلفه زمانی)؛ فراهم آوردن یک استاندارد حداقلی مناسب (مؤلفه کیفی). بنابراین، در ارتباط با حفظ سکونت انسان، حفظ کردن به معنای فراهم‌سازی شرایطی برای زنده نگه داشتن و سالم ماندن انسان طی یک دوره زمانی مداوم، با یک استاندارد مناسب است. در ارتباط با زندگی اقتصادی پایدار هم جریان داشتن امور، نه تنها برای

¹ Formation

² *The South China Sea Arbitration*, op. cit., para 480.

³ e.g. McKennan Reef

⁴ *The South China Sea Arbitration*, op. cit., para. 482.

⁵ Y-H. Song, "Okinotorishima: A "Rock" or an "Island"? Recent Maritime Boundary Controversy between Japan And Taiwan/China", in: *Maritime Boundary Disputes, Settlement Processes, and the Law of the Sea*, ed. by Jon M. van Dyke, Brill; *Series: Publications on Ocean Development*, Vol. 65, 2009, at 166.

⁶ Robert Kolb, "L'interprétation de l'article 121, paragraphe 3, de la convention de Montego Bay sur le droit de la mer: les "rochers qui ne se prêtent pas à l'habitation humaine ou à une vie économique propre..."", *Annuaire Francais de Droit International*, Vol. 40 (1994) at 908; at: https://www.persee.fr/doc/afdi_0066-3085_1994_num_40_1_3227 >2022-09-25.

⁷ *The South China Sea Arbitration*, op. cit., para. 485.

شروع، بلکه به شکلی که به طور مداوم، طی یک دوره زمانی، قابلیت استمرار داشته باشد، ملاک است.^۱

معنای عادی «سکونت انسانی»، اقامت یا ساکن شدن است در یک جا به‌عنوان مقیم یا ساکن شدن در محل زندگی با هدف سکنی‌گزیدن یا گزینش زیستگاه.^۲ مطابق رأی، استفاده از «سکونت» در ماده ۱۲۱، یک‌سری عناصر کیفی ذاتی اسکان و اقامتگاه را در برمی‌گیرد که برخی جنبه‌های مهم آن، نیازمند تبیین است؛ نظیر تعداد افراد ساکن، کفایت یا عدم کفایت گروه منسجم و یک‌دست که هنوز به سطح یک جامعه نرسیده‌اند، وضعیت اجتماعی و حرفه‌ای ساکنین نظیر کارگر، کشاورز، ماهیگیر، تکنسین، مهندس و هدف از سکونت.^۳ با عنایت به ضرورت تفسیر این بند در راستای بند اول ماده و خودکفایی اغلب جزایر طبیعی، نمی‌توان با اعمال تغییراتی در صخره‌ها، قابلیت سکونت را در آن‌ها ایجاد کرد^۴ و این تفسیر دادگاه، با هدف و غایت بند سوم نیز سازگار است.^۵ همچنین، اصولاً سکونت، حضور غیرموقتی افرادی است که به قصد اقامت آن مکان را برگزیده‌اند. این بیان دادگاه، معطوف به گذران موقتی امور ماهیگیران چینی صخره‌های اسپارتلی یا سایر جزایر در محدوده ادعایی خطوط نه‌گانه^۶ است. مطابق رأی، تأمین نیازها باید در حد قابلیت اسکان بشری باشد و صرف بقا و زنده ماندن کفایت نمی‌کند. همچنین سکونت عموماً ناظر به سکونت یک گروه یا جامعه‌ای از افراد است و دادگاه نمی‌تواند تعداد دقیقی از افراد را تعیین کند^۷ که رویه قضایی هم آن را تأیید می‌کند. در قضیه ژان ماین،^۸ با وجود وسعت قابل توجه جزیره، صرفاً حدود ۲۰ نفر در آن به امور فنی ناوبری و هواشناسی می‌پرداختند و این، مانع شناسایی جزیره نشد.^۹ دادگاه ضمن مهم نشمردن وسعت و بزرگی جامعه ساکن، این جامعه را حتی شامل تنها یک خانواده می‌داند و بررسی موردی را مطرح می‌نماید. همچنین، به باور دادگاه، اینکه افراد بومی چینی ساکن در این صخره‌ها مواد غذایی خود از محل زندگی دائمی خود، کیلومترها دورتر، با خود حمل می‌کنند، گواه عدم سکونت دائمی آن‌ها در صخره است و در صورت تأمین امکانات لازم کوچ‌روهای چینی توسط دولت از مکان‌های دیگر، نمی‌توان این صخره‌های کوچک و بزرگ را حائز شرط مسکونی بودن آن‌ها دانست؛ چه، در سکونت انسانی نوعی زاینده‌گی وجود دارد که در پدیده‌های دریایی مذکور چنین نیست.^{۱۰} به‌علاوه، صرف فراهم‌سازی نیازهای اساسی یک فرد به معنای سکونت انسانی نیست و سکونت غیرموقتی انسانی، نیازمند اجتماع و مشارکت اجتماعی نیز هست.^{۱۱} البته جمعیت انسانی می‌تواند بر عشایر که اقامت دوره‌ای دارند و یا حتی افراد غیربومی هم صادق باشد؛^{۱۲} موضعی که مورد تأیید صاحب‌نظران مدافع

^۱. Ibid., para. 487.

^۲. Ibid., para. 488.

^۳. برای ملاحظه بخشی از نظرات ایران و سایر دولت‌ها نک:

Song, op. cit. at 667.

^۴. *The South China Sea Arbitration*, op. cit., paras. 541-542.

^۵. Faccio, op. cit., at 28.

^۶. Nine-dash line

این محدوده به ادعای حاکمیت تاریخی جمهوری چین بر منطقه عمومی دریای چین جنوبی، به‌ویژه با توجه به بهره‌برداری مقدماتی چین از منابع این دریا و اعمال حاکمیت مستمر آن، برمی‌گردد که نخستین بار در سال ۱۹۴۷ در یک نقشه رسمی چینی دیده شد. سالاری، اسماء، پیشین، ص ۳۷.

Note Verbale from the Permanent Mission of the People's Republic of China to the United Nations to the Secretary-General of the United Nations, New York: UN, 2009, at 2.

^۷. برخی حقوق‌دانان، با اتخاذ دیدگاهی غیرقابل دفاع، معتقدند تعداد لازم برای معیار زندگی انسانی در صخره‌ها حدود ۵۰ نفر است.

Y-H. Song, "Chapter 4: Article 121(3) of the Law of the Sea Convention and the Disputed offshore Island in East Asia: A tribute to Judge Choon-Ho Park", in: Jon M. Van Dyke et al. (eds.), *Governing Ocean Resources: New Challenges and Emerging Regimes: A Tribute to Judge Choon-Ho Park*, Leiden/Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2013, at 73.

^۸. ژان ماین (Jan Mayen) جزیره آتشفشانی متعلق به نروژ با ۳۷۷ کیلومتر مربع مساحت و فاقد جمعیت دائمی است.

^۹. *Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen (Denmark v. Norway)*, ICJ Reports, 1993, paras. 15, 80.

^{۱۰}. *The South China Sea Arbitration*, op. cit., paras. 554, 563.

^{۱۱}. Ibid., paras. 488-489.

^{۱۲}. Ibid., para. 542.

حفاظت از میراث مشترک بشریت نیز بود.^۱

درج «توانایی داشتن حیات اقتصادی خود» در بند سوم ماده ۱۲۱، معیار قابلیت صخره‌ها برای حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی، و نه وضعیت عینی آن‌ها را ارائه می‌دهد که این ظرفیت باید پیوسته و مداوم باشد. درخصوص طبیعی بودن حیات اقتصادی خوداتکا یا امکان دخالت فناورانه انسان در ایجاد ظرفیت، برخی مانند چارنی، با تفسیر موسع ماده، فعالیت اقتصادی صخره‌ها مبتنی بر فناوری‌های آینده را قابل قبول می‌دانند.^۲ اما مطابق رأی داوری، با توجه به اینکه معمولاً جزایر طبیعی خودکفا هستند و بند سوم هم ضرورتاً در راستای بند اول تفسیر می‌شود، نمی‌توان با اعمال تغییراتی در صخره‌ها حیات اقتصادی را پدید آورد.^۳ این رأی معنای معمول «اقتصادی» را ناظر به توسعه و تنظیم منابع مادی یک جامعه در پیوند با فرایند یا سیستم تولید، خرید، فروش یا مبادله کالاها و خدمات می‌شمرد. واژه «حیات» نیز گواه آن است که صرف حضور منابع کافی نبوده و برخی فعالیت‌های محلی برای بهره‌برداری، توسعه و توزیع این منابع ضروری است. حال، آیا وجود شبکه اقتصادی پیرامون دریای سرزمینی یا محدوده منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره‌ای که جزیره در آن است، می‌تواند مثبت کفایت برای ثبوت مناطق دریایی باشد؟ از نظر دادگاه، این عبارت مستلزم وجود پیوندی میان حیات اقتصادی و خود پدیده دریایی، و نه صرفاً آب‌های مجاور آن است. بر این اساس، فعالیت اقتصادی در دریای سرزمینی، چنانچه به‌نوعی با خود ساختار آن صخره، از طریق جمعیت محلی یا غیر آن، ارتباط داشته باشد، می‌تواند بخشی از زندگی اقتصادی یک صخره را تشکیل دهد. بنابراین ماهیگیری در اطراف یک صخره کوچک، شرط کافی برای اثبات یک زندگی اقتصادی خاص آن نیست.^۴ دادگاه تأکید می‌نماید اگر گذران معیشتی جمعیت محلی و ساکن و یا کسب منافع بلندمدت آن‌ها، وابسته به چندین ساختار باشد، باید کل شبکه را موردنظر قرار داد. ویژگی‌های صخره‌ها باید ذاتی آن‌ها باشد تا جمعیت انسانی بتواند در آن صخره زندگی انسانی را ایجاد و حفظ نماید. توجه به سابقه تاریخی نیز حائز اهمیت است؛ چه، ممکن است سابقاً در صخره‌های جمعیتی ساکن بوده باشد که اینک به دلایلی نظیر جنگ کوچنده شده‌اند. از انجام دادن فعالیت‌هایی برای استخراج منابع در صخره‌ها بدون حضور افراد محلی نیز معنای حیات اقتصادی مستفاد نخواهد شد. همچنین، با توجه به جمع بودن واژه صخره در ابتدای بند سوم، گروهی از صخره‌ها که جمعاً قادر به حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود هستند، می‌توانند به‌عنوان یک کل واحد از مناطق دریایی دوگانه برخوردار شوند.^۵ بدین ترتیب، یک صخره برخوردار، دارای ویژگی‌های طبیعی اقتصادی برای تداوم حیات یا ظرفیتی مبتنی بر همین ویژگی‌های طبیعی است و برای مثال، برداشت منابع فسیلی از یک صخره برای جمعیتی در مکان دیگر، حیات اقتصادی خود آن صخره به‌شمار نمی‌آید.^۶

به باور برخی، «یا» در میان «سکونت انسانی» و «حیات اقتصادی»، به معنای کفایت یکی از این شروط برای دستیابی به وصف پدیده دریایی ذیل بند سوم ماده ۱۲۱ است.^۷ همسو با نظر برخی نویسندگان،^۸ فیلیپین با این استدلال که وقتی

^۱ Jon M. Van Dyke & Robert A. Brooks, "Uninhabited Islands: Their Impact on the Ownership of the Ocean Resources", *Ocean Development & International Law*, Vol. 12:3-4, 1983, at 288.

^۲ J. I. Charney, "Rocks that Cannot Sustain Human Habitation", *AJIL*, Vol. 93, No. 4, 1999, at 868.

^۳ *The South China Sea Arbitration*, op. cit., paras. 541-542.

^۴ Ibid., paras. 500-503.

^۵ Gau, op. cit., at 12.

^۶ نمونه رویه قضایی ناهمخوان با کنوانسیون، جزیره ژان ماین نروژ است که تمامی فعالیت‌ها در آن محدود به تعدادی تکنسین در حوزه پژوهش، کاربردهای فنی دریانوردی، ترابری هوایی و هواشناسی است و نیازمندی‌های جزیره با یک خط هوایی منتقل می‌شود.

Conciliation Commission on the Continental Shelf area between Iceland and Jan Mayen: Report and recommendations to the governments of Iceland and Norway, op. cit., at 803-804.

^۷ Charney, op. cit., at 868.

^۸ Kolb, op. cit., at 906.

قانون‌گذار فعل منفی را با جداکننده «یا» آورده، ارادهٔ تجمیع شروط را دارد، بر ضرورت وجود هر دو شرط برای به-رسمیت‌شناختن منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره برای پدیدهٔ دریایی موردنظر تأکید داشت. حال آنکه دادگاه ضمن تأیید ضرورت تفسیر منطقی، آن‌چنان‌که فیلیپین استدلال می‌کند، نتیجهٔ متفاوتی می‌گیرد. دادگاه با اشراف به کاربرد عملی واژگان، با خوانشی معمول از این بند، معتقد است نگارندگان برای پرهیز از طولانی شدن جمله، جملهٔ اصلی را مختصر ساخته‌اند. مطابق جملهٔ اصلی: «صخره‌هایی که نمی‌توانند سکونت انسانی را حفظ کنند یا صخره‌هایی که نمی‌توانند حیات اقتصادی خود را حفظ کنند، منطقهٔ انحصاری اقتصادی یا فلات قاره نخواهند داشت»^۱.

البته این دو شرط عملاً مکمل یکدیگر به نظر می‌رسند و اغلب اگر یکی وجود داشته باشد، دیگری نیز وجود خواهد داشت. با قبول این استدلال، در صورت نفی یکی از شروط قابلیت اسکان بشری یا حیات اقتصادی، آن دیگری نیز اعتبار خود را از دست خواهد داد. رأی به‌درستی تصریح می‌کند اگر صخره‌ای بتواند گروهی انسانی را در خود جای دهد، باید بتواند آن‌ها را به لحاظ اقتصادی تأمین نماید و صخرهٔ دارای حیات اقتصادی می‌تواند پذیرای جمعیت انسانی باشد. بنابراین، این رابطه مبتنی بر رابطهٔ منطقی تساوی است و به نظر می‌رسد دعوای حقوقی بر سر اینکه آیا در زمان تنظیم بند سوم به جای «یا» باید از «و» استفاده می‌شده و یا یک یا هر دو شرط نیازمند احراز است، فاقد اثر عملی است و این دو شرط مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرند.^۲ البته دادگاه اصل را بر این می‌گذارد که صخره علی‌القاعده نمی‌تواند زندگی اقتصادی را چه مقدماً و چه مداوماً حفظ کند. دادگاه تأکید می‌کند این عوارض زمینی باید طبیعتاً قابلیت حفظ حیات انسانی را داشته باشند تا جزیرهٔ برخوردار از منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره تلقی شوند. درست است که ماهیگیران چادر نشین چینی از این مناطق استفاده می‌کرده‌اند، اما استفادهٔ آن‌ها دائمی نبوده است. به باور دادگاه، منظور ماده از «سکونت انسانی» یک جامعهٔ باثبات و پایدار از مردمانی است که آن سازندهای زمینی را خانهٔ خود می‌شمرند. بی‌تردید چنین عارضه‌ای قابلیت حفظ سکونت انسانی و یک حیات اقتصادی خوداتکا را دارا است و دارای منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره خواهد بود.^۳

نهایتاً دادگاه داوری، فایری کراس و همچنین اسکاربورگ شول را مشمول بند سوم مادهٔ ۱۲۱ ندانست و بدین‌سان، هیچ‌یک از موارد مورد اختلاف فیلیپین و چین را نه جزیرهٔ صخره‌ای، بلکه همه را صخره شمرد.^۴



فایری ریف به ترتیب از چپ در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷

^۱. *The South China Sea Arbitration*, op. cit., paras. 493-495.

^۲. Ibid. paras. 496-497.

^۳. Ibid. para. 504.

^۴. Ibid. paras. 554-570.



اسکاربورگ شول قبل و بعد از بازسازی توسط چین به ترتیب از چپ در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶



موقعیت تمامی صخره‌ها و جزایر پهنه آبی دریای چین جنوبی

۲.۲. بررسی انتقادی رأی دادگاه داوری دریای چین جنوبی در پیوند با جهانی‌گرایی و منافع دولت‌های ساحلی

چنان‌که ملاحظه شد، دادگاه با تأسی به ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، دست به کالبدشکافی و تفسیر لفظی بند سوم ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ زد^۱ و در این بررسی، علاوه بر اینکه از تشخیص دقیق ضوابط جزایر صخره‌ای قدری بازماند، تنها بند سوم را بررسی نمود و دچار غفلتی نسبی از متابعت فرع و استثنا از اصل (بندهای ۱ و ۲) گردید.^۲ بدیهی است اصولاً چنین تفسیری باید مضیق باشد؛ «صخره‌هایی که ...» ذیل بند سوم گواه آن است که هر صخره‌ای را نباید براساس این دو ضابطه بررسی کرد و صرفاً موارد مشکوکی که در ارتباط غیرمنطقی با جزیره اصلی قرار دارند، نیازمند بررسی‌اند.^۳ اما به نظر می‌رسد دادگاه در نتیجه‌گیری فوق، سختگیرانه عمل نموده است. در خصوص ملاک‌های تشخیص جزیره برخوردار از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره از صخره غیربرخوردار، در جلسه توجیهی سازمان بین‌المللی بستر دریا (مقام) در ژوئن ۲۰۰۹، طبق اظهارات نماینده اندونزی چهار عامل این دو را متمایز می‌کند: قابلیت حفظ و نگهداری آب شیرین را حفظ و نگهداری؛ قابلیت رشد گیاهانی قادر به حفظ سکونت انسانی؛ قابلیت تولید برخی مواد قابل استفاده برای زندگی انسانی؛ و قابلیت جامعه انسانی حداقل پنجاه نفری.^۴ دادگاه داوری با تمرکز بر شرایط سکونت انسانی به‌عنوان ملاک تشخیص صخره در مفهوم بند دوم و یا سوم، اهمیت چندانی برای زندگی اقتصادی قائل

^۱ گرچه دادگاه برخی ظرافت‌های لفظی نظیر جمع بودن لفظ صخره را نادیده می‌گیرد. سالاری، اسماء، پیشین، ص ۳۴.

^۲ همان، صص ۳۵-۳۴.

^۳ Gau, op. cit., at 15.

^۴ Song, op. cit. at 694-695.

نشده و بنابراین، به نظر برخی، از نص بند سوم ماده ۱۲۱ فاصله گرفته است. به عقیده گائو، اولاً دادگاه واقعیت سکونت یا عدم سکونت انسان را ملاک حیاتی اثبات ظرفیت سکونت می‌شمرد و صرفاً حول حضور جمعیت انسانی، به بند سوم می‌نگرد؛ ثانیاً دادگاه غافل از این واقعیت است که یک کشور مستقل ممکن است مانع سکونت غیرنظامیان در پدیده دریایی مورد ادعای خود شود و این، نافی قابلیت سکونت صخره نیست؛ ثالثاً مؤلفه‌های حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی، بُعدی کیفی دارد که دادگاه استاندارد مناسبی را برای تفسیر آن به کار نگرفته است؛ چنین برداشت دلخواهانه‌ای از سوی دادگاه، مبهم و عملاً چالش‌برانگیز است و احتمال تنش‌های متعاقب را افزایش می‌دهد. از نظر دادگاه، «سکونت انسانی» دلالت بر «حضور غیرموقت افرادی دارد که تصمیم به اقامت در آن پدیده دریایی دارند» و از نظر گائو، این به معنای نادیده انگاشتن حقوق دولت و افراد محلی با قصد اقامت غیردائم در صخره‌های مورد بحث است.^۱

تاناکا نیز اظهار می‌دارد در تفسیر دادگاه از ماده (۳) ۱۲۱، دو مفهوم نفع مردم محلی در منطقه انحصاری اقتصادی و پاسداری از میراث مشترک بشریت محوریت دارد. او با اشاره به اینکه توسعه حقوق بین‌الملل دریاها پس از جنگ جهانی دوم در نوسان میان یکجانبه‌گرایی دولت‌های ساحلی و چندجانبه‌گرایی جامعه بین‌المللی در راستای حفظ منافع همه دولت‌ها بوده است، تفسیر دادگاه داوری را منعکس‌کننده پیشرفت متری حقوق دریاها در جهت «جهانی‌گرایی»^۲ آن می‌داند. در عین حال، او با تأکید بر تبعیت تفسیر بند سوم ماده ۱۲۱ از اوضاع و احوال زمان تفسیر و با طرح برخی چالش‌ها، ذهن خوانندگان خلاق را به سمت غیرقطعی بودن حکم صادره جهت می‌دهد؛ چه، در تعیین برخورداری یا نابرورداری صخره‌ها از مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره، برخی فاکتورهای دیگر نیز می‌توانند مؤثر واقع شود که از آن جمله است فاصله با سرزمین اصلی، وجود اختلاف ارضی میان دولت‌ها، مساحت جزیره، امکان پرورش منابع زنده یا غیرزنده در آب‌های اطراف، وجود آب آشامیدنی و غذا، وجود زمین و ساکنان، مسیر اصلی حمل‌ونقل در نزدیکی یا در مسیر اصلی.^۳

به هر روی، با وجود نقاط قوت رأی داوری ۲۰۱۶، انتقادات دیگری نظیر بی‌توجهی دادگاه به قلمرو دریانوردی دولت‌ها و عملکرد دولت‌ها به عنوان رکن مادی عرف، وارد است.^۴ البته نباید از یاد برد که دادگاه داوری دریای چین جنوبی اولین مرجعی است که به تفسیر ماده (۳) ۱۲۱ کنوانسیون پرداخته است و باید منتظر واکنش سایر مراجع قضایی بین‌المللی نسبت به این رأی در مواجهه با موارد مشابه ماند؛ گرچه با توجه به انتقادهای وارده و نیز مغایرت تفسیر دادگاه با رویه برخی دولت‌ها و مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها، برخی از جمله الفریک، واقع‌بینانه، اعتراض چین به رأی داوری را پیش‌بینی کرده بودند؛^۵ همچنان که با توجه به ظرفیت نسبی برخی جزایر چین برای قرار گرفتن در شمار صخره‌های برخوردار ذیل بند سوم ماده ۱۲۱، نهایتاً چین نسبت به حکم داوری توجه لازم را نداشت.^۶

نتیجه‌گیری

پیشرفت قابل توجه فناوری در بهره‌برداری از دریاها و بسترهای آبی، دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های ساحلی در حال توسعه را به منظور حفاظت از منابع متعلق به خود و کنترل بیشتر بر مناسبات امنیتی مناطق پیرامونی خویش، به نوعی انحصارطلبی سوق داده و همین مسئله، طی دهه‌های گذشته حقوق بیش‌و کم نوینی را در مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره پدید آورده است. در این میان، حساسیت بالای نظام حقوقی جزایر و اهمیت فزاینده مناطق دریایی برای همه

^۱. Gau, op. cit., at 16.

^۲. Universalism

^۳. Tanaka, op. cit. at 13-15.

^۴. Faccio, op. cit., at 20-25.

^۵. Elferink, op. cit. at 229.

^۶. Gau, op. cit., at 15.

دولت‌ها، اختلاف‌هایی را میان آن‌ها در خصوص تأثیر جزایر بر ترسیم خطوط مبدأ دریای سرزمینی و همچنین اختصاص مناطق دریایی به خود جزایر رقم زده است. این نظام که تا زمان تنظیم کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۵۸ حقوق دریاها کم‌وبیش شکل عرفی یافته بود، در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها وارد مسیر تازه‌ای شد؛ چه، برخلاف دو بند اول ماده ۱۲۱ که دارای ارزش عرفی بودند، بند سوم حاصل مذاکرات مشارکت‌کنندگان در کنفرانس سوم حقوق دریاها و یکی از گام‌های این کنوانسیون در مسیر توسعه حقوق بین‌الملل بود. این بند، صخره‌های فاقد ظرفیت حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خوداتکا را نابرخوردار از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره می‌شمرد. چنان‌که ملاحظه شد، نحوه نگارش و عبارت‌پردازی این بند، تفاسیر مختلفی را سبب شده و در این میان، رویکرد بیشینه‌گرایانه دولت‌های ساحلی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، تفسیر بند سوم توسط این دولت‌ها را به نفع حقوق صلاحیتی و حاکمه آن‌ها جهت داده است. در مقابل، طبیعتاً چنین تفاسیر دست‌و‌دل‌بازانه‌ای، حقوق سایر دولت‌ها را در معرض مخاطره قرار داده و مخالفت آن‌ها را برمی‌انگیزد که از آن جمله است اعتراض‌های فیلیپین و چین به توصیف ژاپن از ساختار اوکینوتوریشیما ذیل بند سوم در تعیین محدوده ۲۰۰ مایلی برای مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره. با وجود پیشنهادهایی نظیر تشکیل جلسات کمیته کارشناسی بخش امور اقیانوس و حقوق دریاها در ملل متحد و صدور دستورالعمل‌هایی به منظور ارائه تفسیری مقبول از ماده ۱۲۱، گاه مراجع رسیدگی بین‌المللی وارد میدان حل‌وفصل این اختلافات میان‌دولتی می‌شوند.

در سال ۲۰۱۶ دادگاه داورای دریای چین جنوبی جدیدترین تفسیر قابل‌توجه در خصوص تبیین ماهیت جزایر صخره‌ای را ارائه نموده است. این دادگاه، در راستای حل اختلافات فیلیپین و چین در مورد برخی ساختارهای دریایی چین جنوبی، همچون اسکاربورگ‌شول، جوهانسون‌ریف و کارترون‌ریف، دست به تفسیر تقریباً تمام‌عیار بند سوم ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ زد و با تأکید بر ملازمه دو شرط ظرفیت سکونت انسانی و حیات اقتصادی خوداتکا، با عملاً حتی وجود یکی از آن‌ها برای بر خورداری ساختار جغرافیایی مربوط از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را بسنده ارزیابی نمود. این رأی با اتخاذ رویکردی جهان‌شمول در جهت محافظت از میراث مشترک بشریت و آزادی دریانوردی تلاش می‌کند در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و اعمال فشار دولت‌های ساحلی بایستد. گرچه تلاش این مرجع برای احترام به حاکمیت قانون و ارائه تفسیری مبتنی بر اصول حقوقی ستودنی است، چنین می‌نماید که رویکرد سختگیرانه آن برای نیل به این هدف ارزشمند، آن را از مسیر صحیح حقوقی اندکی منحرف ساخته است؛ چه، مطابق واژه‌پردازی بند سوم ماده ۱۲۱ کنوانسیون، اصل بر بر خورداری جزایر، حتی جزایر صخره‌ای، از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است. از مرجعی که تفسیر خود را با کندوکاو دقیق واژگان این بند آغاز کرده بود و آغوش خود را به روی پیشنهاد فیلیپین مبنی بر ارائه یک تفسیر منطبق‌بنیان گشوده بود، انتظار می‌رفت، در عین توجه به مناسبات قدرت در روابط بین‌المللی، با کنار گذاشتن سختگیری بدین‌سان غایت‌گرایانه، از قواعد منطق حقوقی دقیق‌تر پیروی کند؛ چه، نگرشی چنین آرمانی نسبت به حفاظت از منافع عموم در سطح بین‌المللی، به سادگی ممکن است رویگردانی دولت‌ها از پذیرش و اجرای حقوق بین‌الملل و احکام صادره را به‌ویژه در حوزه حقوق اقتصادی و امنیت دریایی به همراه داشته باشد؛ همچنان‌که این اتفاق رقم خورد و مطابق پیش‌بینی‌ها، روند رسیدگی داورای در غیاب چین دنبال شد و نهایتاً رأی صادره هم مقبول این دولت قرار نگرفت. این در حالی است که برخی جزایر چین می‌توانست با خروج از شمول بند سوم ماده ۱۲۱، از مناطق دریایی دوگانه برخوردار شود. البته بی‌تردید مفاد این رأی و اجزای تحلیلی آن می‌تواند در درازمدت به‌مثابه الگویی سازنده در تفسیر حقوقی، مورد توجه دولت‌ها، مراجع رسیدگی بین‌المللی و سایر نهادهای مربوط قرار گیرد.

منابع

کتاب

۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ پنجاه‌وششم، ۱۳۹۶.
۲. سون، لویی‌بی و همکاران، **حقوق بین‌الملل دریاها**، ترجمه محمد حبیبی مجنده، تهران: انتشارات جنگل، چاپ چهارم، ۱۳۹۶.
۳. شاو، ملکم ان، **حقوق بین‌الملل دریاها با نگاهی به مسائل ایران**، ترجمه و تألیف علیرضا ابراهیم‌گل و حسن خسروشاهی، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.

مقاله

۴. سالاری، اسماء، **اثر جزایر در تحدید حدود مناطق دریایی از دیدگاه رویه قضایی بین‌المللی**، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، ۱۳۹۸، شماره ۴.
۵. سالاری، اسماء، **وضعیت صخره در حقوق بین‌الملل دریاها با تکیه بر رأی داوری دریای چین جنوبی**، فصلنامه اقیانوس‌شناسی، سال یازدهم، ۱۳۹۹، شماره ۴۱.
۶. صیرفی، ساسان، **دامنه شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها در پرتو آرای قضایی و داوری**، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۴۰۰، شماره ۶۴.
۷. صیرفی، ساسان، **کاربرد خطوط مبدأ مستقیم در تحدید حدود دریایی؛ با نگاه ویژه به تحدید حدود دریایی بین ایران و کویت**، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۷، شماره ۳.
۸. مسرور، محمد و محمدحسن خانی، **بازآرایی ژئوپلیتیکی در دریای جنوبی چین**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، ۱۳۹۷، شماره ۲.
۹. میرحیدر، دره و همکاران، **جغرافیای سیاسی و حقوق بین‌الملل دریاها**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، ۱۳۹۳، شماره ۲.

References

Books

1. Churchill, Robin Rolf et al., *The Law of the Sea*, Manchester: Manchester University Press, 1998.
2. O'connell, D. P., *The International Law of the Sea*, Vol. 2, Stevens & Sons Limited, 1982.
3. Shaw, M. *International Law of the Seas with a View to Iranian Issues*, Translated and edited by: Ebrahim-Gol, A., and Hassan Khosroshahi, Tehran: Khorsandi Publications, 2015. (in Persian)
4. Son, L et al., *International Law of the Seas*, Translated by: Habibi Majandeh, M., 4th edition, Tehran: Jangal Publishing, 2017. (in Persian)
5. Tanaka, Yushifumi, *The International Law of the Sea*, 3rd ed. Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press, 2019.
6. Ziaei Bigdeli, M. *Public International Law*, 56th edition, Tehran: Ganj-e- Danesh Publications, 2017. (in Persian)

Articles

7. Beazley, B. P., "Reefs and the 1982 Convention on the Law of the Sea", *6 Int'l J. Estuarine & Coastal L.* 1991.
8. Chang, Teh-Kuang, "China 's Claim of Sovereignty over Spratly and Paracel Islands: A Historical and Legal Perspective", *CASE W. RES. J. INT'L L.*, Vol. 23:399, 1991.
9. Charney, J. I., "Rocks that Cannot Sustain Human Habitation", *AJIL*, Vol. 93, No. 4, 1999.
10. Dadandish, P. & H. Rahnavard, "The Artificial Islands in the Persian Gulf: A Political and Legal Analysis", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 3, No. 4, 2013.
11. Daiss, Tim, "Why The South China Sea Has More Oil Than You Think", 22 May, 2016.

12. Faccio, Sondra, "Human Habitation or Economic Life of their Own": The Definition of Features between History, Technology and the Law", *Liverpool Law Review*, Vol. 42, 2021.
13. Gau, Michael Sheng-ti, "The Interpretation of Article 121(3) of UNCLOS by the Tribunal for the South China Sea Arbitration: A critique", *Ocean Development & International Law*, Vol. 50:1, 2019.
14. Kolb, R., "The interpretation of Article 121", paragraph 3, of the Montego Bay Convention on the Law of the Sea: "rocks which are not suitable for human habitation or own economic life", *Annuaire Francais de Droit International*, Vol. 40, 1994. (in French)
15. Masrouf, M. and Mohammad Hassan Khani, "Geopolitical Realignment in the South China Sea", *Geopolitics Quarterly*, No.2, 2017. (in Persian)
16. Mirheidar, D. et al., "Political Geography and International Law of the Seas", *Human Geography Research*, Vol 46, No. 2, 2013. (in Persian)
17. Moore, John Norton, "Navigational Freedom: The Most Critical Common Heritage", *International Law Studies*, Vol. 93, 2017, at: <https://www.unclosdebate.org/evidence/2291/law-sea-important-achievement-establishing-international-rule-law>2022-09-25>.
18. Oude Elferink, Alex G., "Arguing International Law in the South China Sea Disputes: The Haiyang Shiyou 981 and USS Lassen Incidents and the Philippines v. China Arbitration", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol. 31, 2016.
19. Oude Elferink, Alex G., "Clarifying Article 121 (3) of the Law of the Sea Convention: The Limits Set by the Nature of International Legal Process", *IBRU Boundary and Security Bulletin*, 1998.
20. Peiwu, H. E. Cong, "The History and Reality of the South China Sea Issue", September 13, 2020; at: http://ca.china-embassy.gov.cn/eng/sgxw/202009/t20200913_4615002.htm ; >2022-09-25.
21. Roque, H. L., "China's Claim to the Spratlys Islands under International Law", *Journal of Energy & Natural Resources Law*, Vol.15, 1997.
22. Salari, A. "The Effect of Islands in Determining the Limits of Maritime Areas from the Perspective of International Jurisprudence", *Public Law Studies Quarterly*, Vol 49, No.4, 2019. (in Persian)
23. Salari, A. "The Status of the Reef in the International Law of the Seas based on the South China Sea Arbitration Award", *Oceanography Quarterly*, 11th year, No.41, 2020. (in Persian)
24. Seirafi, S. "Scope of Coverage of Mandatory Dispute Resolution Procedures of the Convention on the Law of the Sea in the Light of Judicial and Arbitration Decisions", *International Legal Journal*, No. 64, 2021. (in Persian)
25. ----- "The Use of Direct Lines of Origin in the Delimitation of Maritime Boundaries; with a Special View on the Demarcation of Maritime Boundaries between Iran and Kuwait", *Public Law Studies Quarterly*, No. 3, 2017. (in Persian)
26. Song, Y-H., "Chapter 4: Article 121(3) of the Law of the Sea Convention and the Disputed offshore Island in East Asia: A tribute to Judge Choon-Ho Park", in: Jon Van Dyke, M. et al. (eds.), *Governing Ocean Resources; New Challenges and Emerging Regimes: A Tribute to Judge Choon-Ho Park*, Leiden/Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2013.
27. Song, Y-H., "Okinotorishima: A "Rock" or an "Island"? Recent *Maritime Boundary Controversy between Japan And Taiwan/China*", in: *Maritime Boundary Disputes, Settlement Processes, and the Law of the Sea*, ed. by Jon M. van Dyke, Brill/Series Publications on Ocean Development; Vol. 65, 2009.
28. Song, Y-H., "The application of article 121 of the law of the sea convention to the Selected Geographical Features Situated in the Pacific Ocean", *Chinese Journal of International Law*, Vol. 9, 2010.
29. Talmon, Stefan, "The South China Sea Arbitration: Observations on the Award on Jurisdiction and Admissibility", *Chinese Journal of International Law*, Vol. 15, 2016.
30. Tanaka, Yushifumi, "Reflections on the Interpretation and Application of Article 121(3) in the South China Sea Arbitration (Merits)", *Ocean Development & International Law*, Vol. 48:3-4, 2017.

31. Van Dyke, Jon M. & Robert A. Brooks, "Uninhabited Islands: Their Impact on the Ownership of the Ocean Resources", *Ocean Development & International Law*, Vol. 12:3-4, 1983.
32. Wood, Capt Aaron S., "Historically Mine: The (Potentially) Legal Basis for China's Sovereignty Claims to Land in the South China Sea", *Journal of Indo-Pacific Affairs*, Air University Press, March 8, 2021; at: <https://www.airuniversity.af.edu/JIPA/Display/Article/2528218/historically-mine-the-potentially-legal-basis-for-chinas-sovereignty-claims-to/> >2022-09-25

Instruments

33. *Conciliation Commission on the Continental Shelf area between Iceland and Jan Mayen: Report and recommendations to the governments of Iceland and Norway*, Reports of International Arbitral Awards, Vol. XXVII, 1981.
34. *Note Verbale from the Permanent Mission of the People's Republic of China to the United Nations to the Secretary-General of the United*, New York: UN, 2009.
35. Office for Ocean Affairs and the Law of the Sea of the UN, *The Law of the Sea; Regime of Islands Legislative History of Part VIII (Article 121) of the United Nations Convention on the Law of the Sea*, New York: United Nations Publication, 1988.

Cases

36. *Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain* (Qatar v. Bahrain), ICJ Reports, 2001.
37. *Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen* (Denmark v. Norway), ICJ Reports, 1993.
38. *Maritime Delimitation in the Caribbean Sea and the Pacific Ocean* (Costa Rica v. Nicaragua), ICJ Reports, 2018.
39. Norway: Supreme Court Judgment on Law of the Sea Issues' 11 *IJMCL*, 1996.
40. *Territorial and Maritime Dispute* (Nicaragua v. Colombia), ICJ Reports, 2012.
41. *The South China Sea Arbitration*, PCA Case N° 2013-19, 2016.

Internet sites

42. <https://www.airuniversity.af.edu>
43. <http://ca.china-embassy.gov.cn>
44. <https://www.forbes.com>
45. <https://www.unclosdebate.org>